

هیجان

Emotion

بررسی هیجان و عواطف در عرصه روان‌شناسی امروز جایگاه وسیعی را به خود اختصاص داده است. ارتباط هیجان با ویژگی‌های شخصیتی، اختلالها، نظام پردازش اطلاعات شناختی، ارتباط‌های بین فردی و ... یافته‌های بی‌بدیلی را فراروی جهان بشری قرار داده که کوشش‌های نخستین ویلیام جیمز در باب پاسخگویی به فرایندهای هیجانی را پر بارتر کرده است. به لحاظ جذابیت موضوع؛ تأثیر شگرف آن بر حافظه و جلب توجه مخاطب؛ ارتباط تنگاتنگ آن با استعاره‌ها و درک موسیقی؛ و چگونگی توجیه تصاویر ادراکی؛ چکیده‌هایی که حول محور هیجان شکل گرفته‌اند، در پی می‌آیند. پژوهشگرانی که هم خود را در این راه مصروف داشته‌اند، امید دارند که پژوهشگران جوان نیز در آینده به ادامه این مسیر بپردازند.

تفاوت‌های فردی در تغییر پذیری هسته عاطفی و ارتباط آنها با شخصیت و همسازی روان شناختی

Kuppens, P., Van Mechelen, I., Nezlek, J.B., Dossche, D., & Timmermans, T. (2007). Individual differences in core affect variability and their relationship to personality and psychological adjustment. *Emotion, 7 (2)*.

چگونگی تغییر احساس افراد در خلال زمان را می‌توان به منزله مسیرهایی در فضای هسته عاطفی ترسیم کرد؛ فضایی که براساس ابعاد ظرفیت و فعال‌سازی تعریف می‌شود. مؤلفان این مقاله، به تحلیل تغییرپذیریهای عاطفی درون شخصی به منزله خصیصه‌های مسیرهای هسته عاطفی پرداختند و راه‌های تازه‌ای را برای مفهوم سازی تغییر پذیری، گشودند. در دو بررسی، شرکت‌کنندگان احساسات خود را در چندین وهله در مورد هسته عاطفی بیان کردند. این یافته‌ها ویژگی‌های مسیرهای هسته عاطفی افراد را به دست دادند. در هر دو بررسی، تغییر پذیری هسته عاطفی با ظرفیت متوسط، حرمت خود و مطبوع بودن به گونه منفی مرتبط بود اما با نوروزگرایی و افسردگی ارتباط مثبت داشت. افزون بر این سنجش نوسانهای میزان تجربه کیفی احساسات مختلف در چهارچوب هسته فضای عاطفی - که شامل سنجش‌های درون شخصی انحراف‌های استاندارد درون فردی بود - با میزان همسازی رگه و شخصیت بیش از میزان تغییرپذیری اندازه‌های دیگر ارتباط داشت.

بازنگری توجه به چهره های هیجانی در شرایط هشپاری محدود: آیا چهره های هیجانی خود به خود توجه را جلب می کنند؟

Koster, E. H. W., Verschuere, B., Burssens, B., Custers, R., & Crombez, G. (2007). Attention for emotional faces under restricted awareness revisited: Do emotional faces automatically attract attention? *Emotion, 7 (2)*

الگوهای نظری توجه در زمینه اطلاعات عاطفی، منزلت خاصی برای پردازش شناختی حالت‌های هیجانی چهره قائل

شده‌اند. یکی از دلایل این موضع‌گیری این است که چهره‌های هیجانی خود به خود توجه دیداری را جلب می‌کنند. در سه آزمایش، پژوهشگران میزان توجه به خشم، شادی و حالت‌های چهره‌ای خنثی را که تحت شرایط هشیاری محدود نشان داده شدند، بررسی کردند. در این آزمایشها، حالت‌های چهره با نقاب (۱۴ یا ۳۴ هزارم ثانیه پنهان شده توسط یک چهره خنثی) و بی‌نقاب (۳۴ یا ۱۰۰ هزارم ثانیه) نشان داده شدند. در مقایسه با آزمایشهای در بر گیرنده علائم خنثی، در آزمایشهای با علائم هیجانی در شرایط بدون نقاب و در زمان ۱۰۰ هزارم ثانیه، پاسخها با تأخیر همراه بودند و مشارکت منابع شناختی در برابر چهره‌های هیجانی را مطرح کردند. مع‌هذا در شرایط با نقاب و بی‌نقاب فرضیه مرتبط با افزایش توجه دیداری بر حالت‌های هیجانی چهره تأیید نشد. برعکس، توجه به نشانه‌های هیجانی چهره‌ها در مقایسه با چهره‌های خنثای بی‌نقاب در شرایط صد هزارم ثانیه، کمتر بود. براساس این یافته نتیجه گرفته شد که نشان دادن کوتاه‌مدت هیجان چهره، پردازش شناختی را تحت تأثیر قرار می‌دهد اما خود به خود توجه دیداری را جلب نمی‌کند.

وابستگی‌های بین بیان هیجانی و نگاه عمقی در ادراک چهره براساس الگوی تداخلی گارنر

Graham, R., & Labar, K. S. (2007). Garner interference reveals dependencies between emotional expression and gaze in face perception. *Emotion, 7 (2)*.

در این پژوهش ارتباط بین حالت چهره و پردازش نگاه، با الگوی توجه انتخابی گارنر بررسی شد. در آزمایش ۱، شرکت‌کنندگان در مورد شیوه بیان بدون مداخله نگاه قضاوت کردند، اما شیوه بیان با قضاوت‌های مبتنی بر نگاه تداخل می‌کرد. در آزمایش ۲ این نتایج در مورد هیجان‌های متفاوت تکرار شد. از آنجا که در هر دو آزمایش قضاوت درباره حالت چهره سریعتر از قضاوت براساس نگاه رخ داد، این مسئله مطرح شد که پردازش حالت یا شیوه بیان پیش از مداخله نگاه، صورت می‌گیرد. در آزمایشهای ۳ و ۴ دشواری تمایز هیجانی به دو شیوه متفاوت افزایش یافت. در هر دو مورد، تداخل نگاه با قضاوت‌های هیجانی مشاهده شد. افزون بر این، افزایش دشواری تمایز هیجانی، حاصل تعامل‌های نگاه و حالت بود. نتایج نشان دادند که تعامل حالت و نگاه براساس میزان تمایز یافتگی تعدیل می‌شود. اما در حالی که معمولاً حالت چهره با قضاوت بر مبنای نگاه تداخل دارد، جهت مستقیم نگاه - فقط هنگامی که تمایز هیجان چهره‌ای مشکل است - پردازش بیان حالت را تعدیل می‌کند.

آثار متمایز راهبردهای نظم جویی هیجانی هشیار بر حافظه آشکار و ضمنی

Dillon, D.G., Ritchey, M., Maureen; J., Brian, D., & Labar, K. S. (2007). Dissociable effects of conscious emotion regulation strategies on explicit and implicit memory. *Emotion, 7 (2)*.

در این پژوهش به دستکاری راهبردهای نظم جویی هیجانی در آزمونهای رمزگردانی و ورود اطلاعات به حافظه آشکار و ضمنی پرداخته شد. در آزمایش ۱ شرکت‌کنندگان از ارزیابی مجدد، به منظور افزایش و کاهش ارتباط شخصی با تصاویر ناخوشایند و خنثی استفاده کردند. در آزمایش ۲ علامتهای کاهش یافته جایگزین علامتهای حذف شده‌ای شدند که به بازداری رفتار بیان هیجانی در شرکت‌کنندگان منجر شد. در خلال آزمایشها، استفاده از ارزیابی مجدد به منظور افزایش

برداشت شخصی از تصاویر، فرایند به‌یادآوری را بهبود بخشید. برعکس، کوشش در جهت حذف ابراز هیجانی - به خصوص در مقایسه با شرایط افزایش - به یاد آوری مجدد را تضعیف کرد. استفاده از ارزیابی مجدد برای کاهش برداشت شخصی از تصاویر، برحسب نوع تصویر، اثرات متفاوتی داشت. همراه با تصاویر ناخوشایند، کاهش علامت میزان به‌یادآوری را بهتر کرد. در حالی که همراه با محرک خنثی، کاهش علامت به تضعیف به‌یادآوری منجر شد. نظم‌جویی هیجانی بر آگاهی ادراکی اثر نداشت. نتایج آثار متمایزشدنی نظم‌جویی هیجانی بر حافظه آشکار و ضمنی، و همچنین جدایی بین راهبردهای نظم‌جویی در ارتباط با حافظه آشکار را برجسته ساختند.

وقتی افکار نور و ظلمت به پاسخهای روشن و تاریک تبدیل می‌شوند: تأثیر عاطفه بر وضوح قضاوت

Meier, B. P., Robinson, M. D., Crawford, L. E., & Ahlvers, W. J. (2007). When "light" and "dark" thoughts become light and dark responses: Affect biases brightness judgments. *Emotion*, 7 (2).

استعاره‌ها عاطفه مثبت را به درخشندگی و عاطفه منفی را به تاریکی پیوند می‌دهند. پژوهش حاضر نشان داده که چنین تصویرهایی در رمزگردانی‌هایی وجود دارند که در آن ارزشیابی‌های معنای لغت هنگام جوربودن رنگ زمینه با استعاره‌های متداول (مثبت = روشن؛ منفی = تاریک) سریعتر صورت می‌پذیرد. مع هذا، این نتایج در برگیرنده زمانهای واکنش هستند و به دلایلی می‌توان گفت که ارزشیابی‌ها بر قضاوت‌های ادراکی کنونی تأثیر نمی‌گذارند. پژوهش‌های ۳-۱ این مسئله را به اثبات رساندند که قضاوت‌های ادراکی در جهت ارزشیابی‌های مثبت (در مقابل منفی) و روشن‌تر دچار سوگیری شده بودند و پژوهش ۴ نشان داد که چنین سوگیری‌هایی خود به خود رخ می‌دهند. نتایج به صورت معنادار نمای تجسم استعاره را گسترش دادند. نه تنها ارزشیابی‌ها استعاره‌ها را فعال می‌کنند بلکه چنین ترسیم‌های استعاره‌ای برای هدایت افراد در نادیده گرفتن درونشده حاصل از ادراک دیداری، هنگام قضاوت در باره درخشش شیء، کافی هستند.

ارتباط بین ساخت موسیقایی و اندازه گیریهای روانی فیزیولوژیکی هیجان

Gomez, P., & Danuser, B. (2007). Relationships between musical structure and psychophysiological measures of emotion. *Emotion*, 7 (2).

بررسی‌های روانی فیزیولوژیکی در قلمرو موسیقی آنچه را که دقیقاً در موسیقی می‌تواند مسئول ایجاد پدیده فیزیولوژیکی مشاهده شده باشد، آزمایش نکرده‌اند. پژوهشگران ارتباط بین ۱۱ ضابطه ساختاری از ۱۶ قطعه موسیقایی را با خود گزارش‌دهی‌های احساس خوشایند و برآمدی و نیز اندازه گیریهای متفاوت فیزیولوژیکی (تنفس، هدایت پوستی و ضربان قلب)، کشف کردند. به طور کلی، روابط بین ضوابط موسیقایی و هیجان‌های تجربه شده به خوبی با ارتباط‌هایی که بین ساخت موسیقایی و هیجان‌های ادراک شده، همخوانی داشتند. این نتایج القا می‌کنند که ساخت درونی موسیقی در مقایسه با عوامل غیرموسیقایی، نقش نخستین را در ایجاد هیجان‌ها ایفا می‌کند. مقام، پیچیدگی وزن و پیچیدگی موزون بهترین تمایز را بین ظرفیت منفی و مثبت ایجاد کردند؛ در حالی که ضرب آهنگ، تأکید و پیچیدگی موزون، برآمدی بالا و پایین

را به بهترین شکل مجزا کردند. ضرب، تأکید و پیچیدگی موزون، ویژگی‌هایی بودند که به شدت با اندازه‌گیریهای فیزیولوژیکی همبستگی داشتند. موسیقی‌ای که موجب تنفس سریعتر و تنفسهای بیشتر در دقیقه، هدایت پوستی و ضربان قلب شد، سریع، با تأکید و منقطع بود. این یافته نشان داد که جنبه‌های موزون اصلی‌ترین عوامل تعیین‌کننده پاسخهای فیزیولوژیکی به موسیقی هستند.

تفاوت‌های جنسی در مدت زمان هیجان

Gard, M. G., & ; Kring, A. M. (2007). Sex differences in the time course of emotion. *Emotion*, 7 (2).

دانش سنتی به هیجانی‌تر بودن زنان در مقایسه با مردان باور دارد. مع‌هذا، شواهد پژوهشی این مسئله را مطرح می‌کنند که تفاوت‌های جنسی هیجانی دارای پیچیدگی به مراتب بیشتری هستند. پژوهشگران فرضیه‌هایی را درباره تفاوت‌های جنسی در درگیری نظام‌های فکری انگیزشی روی‌آوری و اجتناب برای تشکیل زیربنای پاسخهای هیجانی، آزمون کردند. در این آزمون، به سنجش تجربه هیجانی گزارش شده و گستره تکان دهنده‌ی پاسخ، در خلال نمایش و پس از جبران تحریک هیجانی‌ای که این نظام‌های انگیزشی را به راه می‌انداخت پرداختند تا به ارزیابی این نکته بپردازند که چه تفاوتی بین زنان و مردان در الگوهای پاسخ بلافاصله به محرک هیجانی و الگوی بهبودی از این پاسخها وجود دارد. یافته‌ها نشان دادند که زنان در مقایسه با مردان عملاً، نسبت به تصاویر منفی هیجانی واکنش پذیرتر بودند، اما نسبت به تصاویر مثبت هیجانی واکنش‌پذیر نبودند. ضمن اینکه نمره‌های آنها در اندازه حساسیت نظام انگیزشی بیزاری بیشتر از مردان بود. اگرچه هم مردان و هم زنان پتانسیل یکه خوردن را هنگام ارائه تصاویر منفی مرتبط با تصاویر خنثی نشان دادند، اما تنها در زنان این پتانسیل در خلال دوره بهبود تداوم یافت و مشخص شد که زنان به درگیری با نظام انگیزشی بیزاری پس از جبران تصاویر هیجانی منفی ادامه می‌دهند.

ترجمه زهره صیادپور